

## پرسش‌های پیرامون سیاست انرژی و آینده تحریم

عباس ملکی

سال ۱۳۹۸ با حوادث تکان‌دهنده‌ای آغاز شد. نخست اینکه سیل‌های متعدد و ویرانگری رخ داد و بعضی هم‌وطنان جان خود را از دست دادند، بعضی بی‌خانمان شدند و بعضی صدمه بسیار دیدند. مدیریت بحران سیل نخستین چالش دولت در سال جدید بود. چالش دوم مسئله تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران بود. دولت آمریکا که در ۱۳۹۷ رسماً از برجام خارج شد، در سال جاری تحریم‌های جدید و سختی علیه ایران اعمال کرد. نظر به اهمیت این مسئله در سیاست خارجی ایران، در بخشی از این یادداشت، می‌خواهم نکاتی را پیرامون آن گوشزد کنم. رفتار آمریکا از ابتدای ایجاد روابط ایران و آمریکا در ۱۸۵۰ م تا کنون در سه دسته زیر جای می‌گیرد:

(۱) نیروی سوم: از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۳ م، دولت آمریکا در صدد ایجاد روابط دوستانه، نزدیک و همه‌جانبه با ایران بود. ایران به دلیل منابع سرشار نفت و سپس گاز، تسلط بر خلیج فارس و نزدیکی با روسیه و سپس اتحاد شوروی، در سیاست خارجی آمریکا کشور تأثیرگذاری بوده و هست. به همین دلیل، کمک‌های آمریکا به ایران در پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب اصل ۴ ترومن و طرح مارشال ادامه یافت.

(۲) نیروی هژمون: از ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ م، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایالات متحده دریافت که می‌تواند نیروی بلامنزاع در منطقه خلیج فارس و خصوصاً ایران باشد. به همین دلیل، رفتار تشویق‌آمیز و یاری‌دهنده این کشور به ایران، به رفتار تحکم‌آمیز و همه‌جانبه‌خواه تبدیل شد. هرچند شاه و دولت‌های ایران در آن دوران بعضاً با خواسته‌های آمریکا مخالفت‌های لفظی می‌کردند، اما در واقعیت، هر آنچه آمریکا در مسائل مختلف - خصوصاً در مورد اتحاد شوروی، قیمت و تولید نفت و مسئله اعراب و اسرائیل - در نظر داشت، بدون کم و کاست، توسط ایران اجرا می‌شد.

۳) نیروی مخالف: از ۱۹۷۹ م تا کنون را دربر می‌گیرد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بُعد خارجی، غلبه بر استعمار و به خصوص علیه آمریکا بود. در ایران، سیاست گذاران همواره به رفتار و اهداف آمریکا در منطقه آسیای غربی به دیده شک می‌نگریستند. در واشنگتن نیز جریانات مختلف درون جمهوری اسلامی ایران، به صورت کلی، به عنوان مخالفین تسلط آمریکا در منطقه و مخالف با همکار استراتژیک آمریکا در منطقه، یعنی اسرائیل، ارزیابی می‌شدند. از همین رو، از ابتدای انقلاب تا کنون، علی‌رغم تماس‌ها و مذاکرات متعدد، روابط بین ایران و آمریکا هیچ‌گاه عادی نشد و موانع به صورت جدی از میان بر نداشته نشد.

اکنون در چهلمین سال انقلاب، ما همچنان همان مشکلات و موانعی را با واشنگتن داریم که در گذشته داشتیم. در عین حال، رویکرد رئیس‌جمهور جدید آمریکا مطمئناً تفاوت‌های اساسی با اسلاف خود دارد. گرایش او و همکارانش به رفتارهای راست افراطی و به نوعی سرسپردگی به صهیونیسم جهانی عیان است. اکنون با نسل جدیدی از رهبران کشورهای عربی مواجه هستیم که دیگر همکاری با اسرائیل را کفر نمی‌دانند، بلکه تحت تأثیر جریان سیاسی مسلط غرب، ایران را مایه تهدید کشورهای خاورمیانه می‌دانند.

آنچه تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران را بیشتر با اهمیت می‌کند، این است که این بار تمرکز تحریم بر دو بخش اساسی اقتصاد ایران، یعنی نفت و پول، است. برایان هوک، رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا، هفتم نوامبر (۱۶ آبان) در یک کنفرانس خبری به آخرین تحولات مربوط به تحریم ایران پرداخت. بخش عمده صحبت‌های او بر نفت و کشتیرانی متمرکز بود. او توضیح داد با توجه به قطع دسترسی نفتکش‌های ایرانی به بیمه‌های بین‌المللی، آن‌ها مجبور هستند از بیمه‌های داخل ایران استفاده کنند. در حالی که هزینه اولیه پاسحگویی به سوانح نفتی و پاکسازی محیط، به گفته او، می‌تواند از صدها میلیون دلار تا میلیاردها دلار باشد. هوک گفت اگر جرایم و هزینه‌های دادرسی (احتمالاً در اثر شکایت افراد آسیب دیده از آلودگی) اضافه شود، هزینه‌ها از این هم بالاتر می‌رود. او هشدار داد بیمه‌های ایرانی نمی‌توانند از پس چنین هزینه‌هایی برآیند و کشورها، بنادر، مسئولین کانال‌ها و شرکت‌های خصوصی مشتری نفت ایران خود مجبور به پرداخت هزینه‌ها خواهند بود. هوک در واقع می‌خواهد مشتریان نفت ایران را از ضعف بیمه‌های ایران در پوشش هزینه‌های سرسام‌آور نشت نفت بترساند. او با اشاره به حادثه نفتکش سانچی می‌گوید حوادث دریایی اتفاق بعیدی نیست، پس برای یک تخفیف کوچک خودتان را در معرض خطرات پرهزینه قرار ندهید.

اگر به بخش‌های دیگر تحریم و رفتار متقابل ایران پردازیم، متوجه خواهیم شد که آنچه این بار در صحنه میدانی دیده می‌شود، آن است که برنامه مشخصی برای مقابله با تحریم آمریکا دیده نمی‌شود. گرچه ترامپ و اطرافیانش نتوانستند جامعه ایران و نظام جمهوری اسلامی را به زانو درآورند، اما در طرف دیگر، این سؤال همچنان مطرح است که چرا کشور برنامه‌ریزی دقیق و مشخص برای مقابله با چنین تحریمی ارائه نمی‌کند. در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ م، چرا بیشتر به بحث‌های داخلی پرداختیم؟ چرا امسال برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به سرمایه‌گذاران خارجی مجوز اقامت پنج‌ساله می‌دهیم؟ چرا وزارت نفت مجبور شد بیشتر به دنبال ابداع یک نوع



قرارداد جدید در صحنه توافقی‌های نفت و گاز با شرکت‌های بین‌المللی برود و به جای آن، پروژه‌ها را زودتر راه‌اندازی نکرد؟ چرا بسیاری به دنبال آن بودند که وزیر نفت را در عقد قراردادهای نفتی محدود کنند؟ چرا کسی این کار را برای مسئولان معدن نکرد؟ مگر نه این است که دست تصمیم‌گیران باید برای مانور دادن و انعطاف و رسیدن به منافع بهینه در برابر شرکت‌های خارجی باز باشد؟

چرا دولت ایران توجه و دقت لازم را در موضوع سیاست‌گذاری‌های مربوط به مطالعه زمین‌شناسی کشور، عملیات لرزه‌نگاری، اکتشاف، توسعه میدان، استخراج، تولید، انتقال، صادرات و یا پالایش و خطوط لوله ندارد. در عین حال که وزارت نفت تلاش خود را برای ادامه فعالیت‌ها انجام می‌دهد، تردیدی نیست که این بخش از فعالیت‌های کشور نیازمند توجه جدی‌تر و همچنین سیاست‌گذاری در رده‌های بالاتر است. سیاست‌گذاری انرژی در ایران اگر جدی گرفته شده بود، در دوران تحریم می‌توانستیم همه‌جانبه‌تر با موانع خارجی و ضعف‌های داخلی برخورد کنیم.

این یادداشت کوتاه در پی آن بود که نشان دهد، راه حل توسعه کشور، توجه جدی و عمیق به بخش نفت و گاز است. در این بخش نیاز به سرمایه‌گذاری به شدت احساس می‌شود. توصیه می‌شود که بخش نفت و گاز در سطحی بالاتر از دولت مورد توجه قرار گیرد. مواردی که می‌تواند در دستور کار قرار گیرد عبارت‌اند از:

- آیا از سرمایه‌های کوچک داخل کشور می‌توان به سرمایه‌های بزرگ مورد نیاز برای پروژه‌های نفت و گاز رسید؟

- چگونه از سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور برای پروژه‌های انرژی استفاده کنیم؟

- جذب سرمایه‌های خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم چگونه انجام‌پذیر است؟

- قراردادهای نفت و گاز چگونه می‌توانند برای طرف خارجی جذاب‌تر شوند؟

- منابع مشترک ایران با همسایگان با چه فرایندی دنبال شود؟

- دانش و فناوری نفت و گاز تا چه اندازه بومی شده است و چگونه ادامه پیدا کند؟

- ازدیاد برداشت و مبارزه با پدیده پیری مخازن نفت و گاز چگونه امکان‌پذیر است؟

- دانشگاه‌ها چگونه می‌توانند به روند توسعه نفت و گاز کمک کنند؟

- چگونه با الزامات مربوط به محدودسازی گازهای گلخانه‌ای برخورد کنیم؟

- با افزایش تولید از مخازن نفت و گازهای غیرمتعارف چگونه روبرو شویم؟

- با ضوابط جدید سازمان بین‌المللی دریانوردی مبنی بر محدود نمودن میزان سولفور همراه با

سوخت کشتی‌ها از ۳/۵ به ۰/۵ درصد چه کنیم؟



- آیا با توجه به تحریم حمل و نقل نفت خام و میعانات گازی ایران، برای حمل تولیدات خود به کشتی و نفتکش‌های جدید نیازمندیم؟
- اکتشافات جدید در ۲۰۱۸ م به حدود ۱۰ میلیارد بشکه در سراسر جهان رسید. چقدر اکتشافات جدید در ایران داشتیم؟
- آیا همچنان در اوپک بمانیم؟
- شکاف میان مدیریت بخش‌های نفت و گاز در تهران و مناطق نفت‌خیز را چگونه مدیریت کنیم؟
- افزایش روزانه مصرف بنزین و محدود بودن تولید پالایشگاه‌هایمان را چگونه تدبیر کنیم؟
- انباشت بدهی‌های به پیمانکاران به خصوص در بخش حفاری را به چه صورت حل کنیم؟
- چرا این قدر یادداشت تفاهم و یا رئوس تفاهم (HOA) داریم ولی کمتر شاهد اجرایی شدن آن‌ها هستیم؟
- آیا می‌توان تحریم‌های آمریکا را از طریق روش‌ها و راهکارهای صادراتی و فروش نفت دور زد؟
- آیا می‌توان از ظرفیت بالای پایانه‌های نفتی عراق برای صادرات نفت ایران استفاده کرد؟

